



ایران ۱۴۰۴ تریبون رسمی بسیج دانشجویی | مدیر مسئول: علیرضا صفری | سردبیر: امیر حسین قدمی  
دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران | سال پانزدهم | شماره دوم | هفته دوم آبان ماه ۱۴۰۰

## "عراق صدر"



وحدت اسلامی، سابقه و آثار

لبنان آتشی سوزان زیر اندکی خاکستر

روایت قصه از یاد نرفته

تشت رسوایی پهلوی

آزمون بنزینی 1400

فرزند عثمانی





## عراق صدر

### بررسی تحولات انتخابات عراق

● محمدحسین سمائی

فتح از هواداران خود خواست که در اعتراض به نتایج به خیابان ها بیایند اما در نتیجه این امر تنها چند صد نفر در بغداد و دیگر شهرها در جنوب و منطقه فرات میانی به خیابان ها آمدند. گروه های مقاومت حتی احتمال توسل به سلاح "برای اصلاح نتایج" را مطرح کردند که دولت با استقرار نیروهای امنیتی در بغداد و جاهای دیگر واکنش نشان داد و آمادگی خود را برای پاسخگویی به هرگونه نقض مسلحانه صلح نشان اعلام کرد. در ایران نیز نگرانی هایی نسبت به نتایج انتخابات اعلام شد. این نگرانی ها همانطور که پیش تر گفته شد به حوادث و اعتراضات تشرین ۲۰۱۹ باز می گردد که در طی آن گروه های شیعی به دو دسته تقسیم شدند. دسته اول گروه های همراه با تشرینی ها که با دیدگاهی ناسیونالیستی و با تاکید بر هویت عربی و عدم

توان اهمیت آن را نادیده گرفت. در تاریخ ۲۵ مهر ماه ۱۴۰۰ و با اعلام رسمی نتایج انتخابات توسط کمیسیون عالی مستقل انتخابات عراق، حدود ۲۵ میلیون نفر از مردم واجد شرایط بودند اما میزان مشارکت در این انتخابات زیر ۵۰ درصد (۴۱٪) اعلام شد. در این بین استان بغداد کمترین و دهوک بالاترین میزان مشارکت را داشته اند. احزاب پیروز شیعه در انتخابات به سه گروه اصلی تقسیم شدند: جریان صدر (مقتدی صدر) با ۷۳ کرسی، دولت قانون (نوری مالکی) با ۳۴ کرسی و جبهه فتح (حشد الشعبی) با ۱۷ کرسی و نامزدهای مستقل که اکثر آنها شیعه هستند نیز با حدود ۴۰ کرسی به پیروزی رسیده اند. در حالی که کمیسیون عالی مستقل انتخابات عراق بر درست بودن نتایج انتخابات اصرار داشت، جنبش

پس از وقایع تشرین ۲۰۱۹ (تشرین نام یکی از ماه های رومی است و مصادف با ماه اکتبر میلادی و اواخر مهرماه تا اواخر آبان ماه شمسی است). سرعت تحولات سیاسی و اجتماعی در عراق رو به افزایش و زایش چالش های جدید است. به عنوان نمونه نیز می توان به انتخابات پارلمانی که با برگزاری شش ماه قبل از موعد آن "انتخابات زود هنگام" نام گرفت اشاره کرد. این انتخابات در تاریخ ۱۰ مهر ۱۴۰۰ برگزار شد و با توجه به مدل سیاسی عراق یعنی مدل پارلمانی و استفاده از مدل تبعیض معکوس، یعنی تعلق ۲۵٪ کرسی ها به بانوان، ۹ کرسی به اقلیت ها، انتخاب رئیس جمهور از میان کرد ها، نخست وزیر از میان شیعیان ( حزبی که بیشترین رای را داشته باشد رئیس جمهور را انتخاب می کند) و رئیس جمهور از اهل تسنن، نمی

بر علیه نیرو های مقاومت باشیم. با این حال احتمال تصویب قانون خلع سلاح یا تحدید گروه های مقاومت با هم دستی الكاظمی خیلی دور از نظر نمی آید. و در آخر با نگاهی واقع بینانه به شرایط عراق، می توان گفت اگر عراق تا دیروز حوادث تشرین به عنوان متحد استراتژیک در کنار ایران بود و گروه های مقاومت نیز پی گیر اهداف ایران، گروه های مقاومت با پیگیری اعتراضات قانونی خود به تخلفات انتخابات و دوری از هرگونه جنگ و خونریزی، و جمهوری اسلامی ایران با پذیرفتن نقش جدید عراق به عنوان پل ارتباطی بین ایران و کشور های عربی می تواند سطح جدیدی از تعامل با عراق را پیش بگیرد و نباید فراموش کرد که تعامل با مقتدی صدر هم دین و هم مذهب راه دشوار و دوری نیست. در این سطح، شاید نتوان عراقی مانند عراق نوری المالکی را متصور شد، اما می توان برای تعامل سازنده با عراق صدر و بازگرداندن اعتماد مردمی و اقبال به گروه های مقاومت و جمهوری اسلامی تلاش کرد و در تلهی جدید آمریکا برای منطقه غرب آسیا و محور مقاومت گرفتار نشد.

آنچه این روزها در کشور می گذرد، منازعه ای دموکراتیک است. هرچند این توثیت در حالت عادی پیامی در راستای استقلال عراق است و برداشت غیر دیپلماتیک آن پیام خاصی ندارد، ولیکن با در نظر گرفتن رقابت با جریان فتح، که گروه های نزدیک به ایران شناخته می شوند می توان گفت این توثیت حامل پیام سیاسی خاصی نیز بوده است. اما بیش از این توثیت، عکس العمل خبرگزاری ها، و رسانه های رقیب و یا مخالف سیاست های جمهوری اسلامی ایران به وضوح نمایانگر سناریویی است که آمریکا و متحدان دیگر آن برای منطقه غرب آسیا در نظر دارند، یعنی تحریک نیرو های نزدیک به ایران برای درگیری داخلی و در نتیجه اعتبار زدایی از گروه های مقاومت. اما به نظر سیاست مورد اتخاذ مقتدی صدر ادامه سیاست های صلح طلبانه و میانجی گرایانهی بی طرف الكاظمی خواهد بود، این احتمال خصوصا بعد از مطرح شدن ادعای ابقای الكاظمی - نخست وزیر عراق- شدت گرفته و به نظر می آید با وجود اعلام مقتدی صدر نشانه ای از خلع سلاح گروه های مقاومت توسط او نیستیم و گویا تنها باید منتظر جبهه گیری های متعدد

دخالت کشور های خارجی گاه برحق و گاه متعصبانه اصرار بر عدم هرگونه دخالت کشور های خارجی، از جمله ایران و گروه های وابسته به آن داشتند و دارند و همچنین علاقه وافری در ابزار بی طرفی (حیاد) در میان درگیری دیگر کشور ها و محور های منطقه ای دارند، و دسته دوم که با تاکید بر هویت اسلامی-شیعی به دنبال منافع جهان تشیع و یا دقیق تر ولایت فقیه و انقلاب اسلامی هستند. (هرچند که این به معنای پشت کردن کامل به منافع عراق نیست و حتی در منظومه فکری این گروه، منافع عراق همان منافع انقلاب اسلامی است و اصلا تعارضی وجود ندارد.) از نمایندگان اصلی دسته اول که با نام گروه های پیرو نظریه حیاد ( حیاد در عربی به معنای بیطرفی است) شناخته می شوند می توان به جریان صدر به ریاست مقتدی صدر اشاره کرد و نماینده اصلی دسته دوم که با نام گروه های مقاومت شناخته می شوند نیز جریان فتح به ریاست هادی العامری است. تشدید این نگرانی ها در ایران با توثیتی از سید مقتدی صدر پیروز انتخابات عراق همراه بود که طی آن رهبر جریان صدر اعلام کرد " به هیچ کشوری اجازه نخواهیم داد در تشکیل دولت عراق مداخله کند و





## آزمون بنزینی ۱۴۰۰

▲ بررسی حمله سایبری به سامانه سوخت رسانی

● بهاره نورمحمدی

که یک سال و اندی بعد اعلام شد. خلاصه اینکه کم کاری های مسئولین وقت درباره حوادث آبان ۹۸ باعث ایجاد ابهام و حفره ذهنی برای مخاطب گردید؛ حفره ای که دشمن سعی میکند از آن برای دستیابی به اهداف خود بهره برداری کند. بنابراین در موضوع حمله سایبری اخیر، آنچه فراتر از متن به چشم می خورد تلاش دشمن در جهت تداعی وقایع آبان ۹۸ در ذهن مردم و ایجاد نارضایتی عمومی بود. تلاشی که ممکن بود به تکرار داستان بنزینی سال ۹۸ بدل شود اما خوشبختانه اینبار با اقدامات به هنگام دولت، پوشش خبری مناسب رسانه ملی و به نوعی جبران کم کاری های سال ۹۸، دسیسه دشمن در ایجاد آشوب ناکام ماند. و اما نکته مثبت این اتفاق این بود که مردم پس از پشت سر گذاشتن

این مورد، احتمال حمله سایبری را تقویت می کرد. احتمالی که درست از آب درآمد و با فاصله ای کوتاه توسط نهادهای رسمی و مرکز ملی فضای مجازی نیز تایید شد. همانطور که اشاره شد رسانه های معاند از ابتدای آبان سال جاری پروژه تداعی آبان ۹۸ را کلید زده بودند. اما چرا آبان ۹۸؟! زیرا مبهم است. متاستفانه آبان ۹۸ در فضای رسانه ای ما دقیق تحلیل نشد. یا به عبارتی دیگر ناقص روایت شد و بخش زیادی از این نقصان روایی ناشی از ضعف و گندی نهادهای مسئول در بحث اطلاع رسانی بود. وقتی در بیان روایت حقیقی کم بگذاریم، دشمن با تکرار اخبار جعلی، مخاطب را مسخ می کند. به طوری که هنوز هم خیلی ها آمار کشته شدگان را ۱۵۰۰ نفر روبرتز می دانند نه آمار ۲۵۰ نفر وزیر کشور

ساعت ۱۱ صبح سه شنبه چهارم آبان ماه بود که خبری کوتاه و نگران کننده به گوش رسید: اختلال در سامانه هوشمند کارت سوخت ابتدا شهرهای تهران، شیراز، ساری و بوشهر با مشکل سوختگیری مواجه شدند و در کمتر از ۱۵ دقیقه این مشکل سراسری شد. فعالیت جایگاه های سوخت کشور دچار مشکل شد و اخبار و تصاویری از ازدحام خودروها، سرگردانی مردم، صف های طولانی در پمپ بنزین ها و عدم امکان سوخت گیری با کارت سوخت در رسانه ها و شبکه های اجتماعی منتشر شد. هر چند در ابتدا تنها صحبت از یک اختلال فنی به میان آمد اما همزمانی این اتفاق با دومین سالگرد شوک بنزینی سال ۹۸ و تدارک گسترده رسانه های ضدانقلاب در



۸ سال بی مسئولیتی و ناکارآمدی دولت روحانی بالاخره توانستند شاهد یک هماهنگی بین نهادهای دولتی و اقدامات و پیگیری‌های مناسب جهت رفع مشکلات باشند. بلافاصله پس از گزارشات مردمی و میدانی وزارت نفت وارد عمل شد. جلسه ای فوری در شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی تشکیل شد و گروه های فنی به تدریج به جایگاه های سوخت سراسر کشور اعزام شدند. همچنین رئیس جمهور نیز فردای روز حادثه یعنی چهارشنبه مورخ پنجم آبان ماه با حضور سرزده در وزارت نفت، به پیگیری وضعیت روند سوخت رسانی به خودروها و فعالیت مجدد جایگاه های سوخت کشور پرداخت. رئیس جمهور پیش از این بازدید نیز، در یکی از جایگاه های توزیع بنزین حضور یافت و در گفت و گو با مردم و جایگاه داران ضمن تشکر از ارائه خدمات آنها به مردم پس از اختلال ایجاد شده، به صورت میدانی و بی واسطه در جریان وضعیت سوخت رسانی به خودروها قرار گرفت. یکی دیگر از اقدامات مثبت دولت در مواجهه با این مشکل، در نظر گرفتن سهمیه جبرانی بنزین بود که اعلام شد تا پایان ماه جاری به کارت سوخت همه وسایل نقلیه واریز خواهد شد. از آنجایی که شیوع ویروس شایعه در چنین اتفاقاتی اجتناب ناپذیر است لذا در پی این اختلال نیز

شاهد شایعاتی مانند شایعه گرانی بنزین بودیم که قویا توسط مسئولین من جمله شخص وزیر نفت تکذیب شد. همچنین پیامک سراسری وزارت نفت نیز با اشاره به کذب بودن شایعه گرانی بنزین و حذف سهمیه ها تلاشی موفق در جهت کاهش نگرانی مردم به شمار میرود. شاید یک مقایسه ساده بتواند تفاوت فاحش نوع مدیریت دولت فعلی و دولت گذشته را نشان دهد. در سال ۹۸ دولت وقت موضوعی مانند افزایش قیمت بنزین را که کاملاً در چارچوب اختیاراتش قرار داشت آنچنان شوکه کننده اجرا کرد که در نهایت موجب آن خسارات عظیم گردید و در نقطه مقابل عملکرد مناسب و مدیریت صحیح دولت فعلی توانست بحرانی را که از آن سوی مرزها و توسط دشمنان برنامه ریزی شده بود خنثی کند. یکی با اعلام اینکه خود صبح جمعه متوجه موضوع شده است، بر روی آتش خشم مردم بنزین ریخت و دیگری با اقدام مناسب و حضور در میان مردم آب روانی بر روی آتش فتنه دشمن شد. یکی دیگر از نکات قابل توجه اتفاقی که در روز سه شنبه رخ داد، همزمانی آن با آغاز هفته پدافند غیر عامل بود. سردار جلالی، رییس سازمان پدافند غیر عامل کشور در یکی از مصاحبه هایی که به همین مناسبت با رسانه ها داشت؛ با بیان اینکه دولت قبل از منظر پدافند غیر عامل کشور

را دچار خسارات بسیاری کرد گفت: ولنگاری و بی قانونی در حوزه سایبری، انکار جنگ سایبری و... اقدامات غلط دولت روحانی در حوزه پدافند غیرعامل بود. هر چند در مجموع هماهنگی مناسب دستگاه های مرتبط در کنار هوشیاری و آگاهی مردم در مواجهه با این مشکل دشمن را در دستیابی به اهداف فتنه انگیز خود ناکام گذاشت اما با توجه به رشد روزافزون جرائم و خرابکاری های سایبری در سراسر جهان بار دیگر باید بر ضرورت تامین امنیت سایبری و کاهش آسیب پذیری در این زمینه تاکید نمود. ضمناً مسئولین باید در میانه این جنگ اطلاعاتی با استفاده از هوش سیاسی-رسانه ای دقیق تر در عملیات سایبری و جنگ الکترونیک جلوتر از دشمن قرار بگیرند. بروز چنین حملاتی برای سایر زیرساخت های حیاتی کشور ممکن است تبعات جبران ناپذیری را در پی داشته باشد بنابراین باید به فکر افزایش امنیت سایبری کشور بود پیش از آنکه خیلی دیر شود...



**SNN**  
Mehrdad Esfahani



# روایت قصه از یاد نرفته

روایت دانشجویی از وقایع آبان ۹۸ در دانشگاه تهران

محمد فخرا

هل داده بودند. پیامی از آقا قرائت شد که کج فهمان بد معنا کردند و باقی را هم به کج فهمی خود هل دادند و شد آنچه شد. خلاصه که ما رفتیم سنگر سردرمان را بگیریم.

آن روزها ما در حسرت یک زیر نویس خبر بودیم، در حسرت یک گزارش خوب در یک خبرگزاری، در حسرت یک میکرفون که فریاد بزنیم، درد ملت را داد بزنیم که کار به خون نرسد. اگر بود صداسیمای انقلاب در آن روز، دیگر تنها تصویر برای مردم آن لیخنه کریه نبود. اگر خونهای ملت در خانه‌هایشان به جوش نمی‌آمد، در خیابانها هم ریخته نمی‌شد. اگر نمی‌خواهیم آبان تکرار شود، حواسمان باید به صداسیمای انقلاب باشد. مردم اگر شنیده شوند دیگر نیازی ندارند در خیابان فریاد زنند هل داده نمی‌شوند، نه به داخل خودروها و نه به آغوش آشوب‌گران. مصوبه‌ای که باید صورت میگرفت به گونه‌ای انجام شد که ملت فریاد زنند و بعد ما دست گذاشتیم بر دهانشان و لیخنه کریه تحویلشان دادیم و تیتراژ زدیم هزینه‌ی جراحی... افسوس و صد افسوس...

که به قول آن کاندید زیر میز بزند، همیشه این خط را دنبال میکردند حتی اگر بخاطر شفته شدن برنج سلف تجمع می‌کردند، اما اینبار طعم شعارها فرق می‌کرد. تند تر از همیشه و تنش‌زا تر از قبل. حرفی نبود که نزنده باشند آنهم با قافیه و وزن. ترسناک تر آنکه دیگر چهره‌های تجمع فقط افراد ثابت قبلی نبودند، جناح بندی‌ها هم بهم خورده بود. اوضاع غریبی بود..

کمی قبل تر از آن، صبحی بعد از اعلام دولت، همه‌ی امیدها به بهارستان بود، وعده‌ی ما صبح مقابل مجلس بود، جمعیت خوبی آمده بود، بسیجی، عدالتخواه، مردم، همه آمده بودند، نیروی انتظامی هم آمده بود؛ حتی آنها هم با جمعیت خوبی آمده بودند. کمی به درب مجلس نزدیک شدیم و جمعیت خیز برداشت که شعارها را فریاد زنند، که ناگهان نیروی محترم انتظامی نزدیک تر از قبل شد و با درخواست‌های فریادی خود میخواست متفرق مان کند. کمی واپس‌آیدیم که درخواست‌ها فیزیکی شدند و هل داده میشدیم، بعضی به سمت پیاده رو هل داده شدند بعضی به سمت خیابان و بعضی هم به داخل ماشین نیروی انتظامی. کمی آنطرف تر بیانیه‌ای خواندیم و رفتیم که شاید بهتر بود نمیرفتیم، شاید.. خلاصه که گویا داخل مجلس هم نماینده‌ها را

۹۸ به طور کل سال سختی بود، حوادث از چپ و راست بر سرمان خراب شد. پشتمان از شهادت سردار خمیده شد، داغدار از حادثه‌ی هواپیما و اما غائله‌ی آبان. جو غریبی حاکم بود؛ دانشگاه تجمع‌های دور و نزدیک دیگری هم به خود دیده بود، از اعتراضات معیشتی ۹۶ که کار به سنگ پراکنی کشید و تجمع پر حاشیه‌ی حجاب در سال ۹۷ گرفته تا شلوغی‌های ۸۸ و یک دهه قبل ترش اما به اذعان شاهدان اخیر و روایان یک دهه گذشته، هیچگاه جو دانشگاه این مقدار سنگین نشده بود. شعارهای دو طرف رادیکال تر از همیشه بود و فریادهای ملت‌مسانه‌ای که عدم درگیری را درخواست می‌کرد مکرر شنیده می‌شد. فضا در عین جوش و خروش اما سرد تر از همیشه بود. سوز پائیز به دل خیلی‌ها زده بود و لرزه به تنشان انداخته بود؛ کم نبودند افرادی که شک به دلشان افتاده بود. گروه‌های کلاسی، گعده‌های خوابگاهی و در هر جمع دیگری سخن از تلخی وقایع بود؛ گرانی، درگیری، خون و سردرگمی.

خبر شلوغی در شهرهای مختلف شنیده می‌شد؛ تمرکز دیگر در شهر تهران نبود اما دانشگاه تهران برایش فرقی نمیکند؛ با یک جرقه شلوغ می‌شود. شعارهای ما دو محور داشت؛ حمایت از ملت و فریاد بر دولت اما طرف مقابل آمده بود



## جنگ اول به ز صلح آخر

یادداشتی پیرامون مهمان ناخوانده گونه یک استاندار

فاطمه اسدی

مردم باشند و سر تعظیم فرود آورند!

پیش از کینه گرفتن مسئولین از این طور کنش ها، باید این ماجرا انگیزه ای برای درک وضعیت نابسمان مردم و نیروی محرکی جهت تلاش بیشتر باشد تا اگر فردا روزی چنین ماجرای پیش آمد، تمام مردم خودشان یکدست و خودجوش، حمایت کنند از مسئولی که حواسش به سیلی های سخت فقر در کوچه های تاریک شهر بوده!

باید چنین کنشی در مراسم معرفی مسئول جدیدی که تازه باید از امروز پاسخگو باشد، جلوی دوربین آن خبرنگار ها رخ بدهد؟ به راستی که چقدر کینه و دلخوری وجود داشت که می بایست در چنین زمان و مکانی آن سیلی زده بشود!

برخی رسانه ها مدعی شدند شخص ضارب مشکل شخصی با جناب استاندار داشته و مطالبه گر مردمی نبوده، پس کارش را تقبیح کنیم! دور از تصور و غیر قابل باور نبود که چنین کنشی از میان مردم عادی رخ بدهد. مگر مردم دل خوشی از برخی مسئولین داشته اند که توقع خشونت این چنین نباشد؟ در کنار بحث های اخلاقی نظیر حفظ کرامت و آبروی مومن و درست نبودن آن حرکت در جلوی دوربین ها، نباید فراموش کرد که این مسئولین هستند که باید در مقام و منصب خدمت پاسخگوی

حتما شما هم این تیتراژ را در روز های اخیر دیده اید؛ سیلی به صورت استاندار جدید آذربایجان شرقی! خبر داغی که فیلمش حسابی سروصدا کرد.

در وهله نخست بسیاری از توده مردم این طور برداشت کردند که خدا خیر بدهد آن شخص ضارب را! مسکنی شد بر درد سیلی یک نماینده مجلس بر صورت یک سرباز راهور حدود چند ماه پیش. اما در ادامه گزارش کامل آن ماجرا مشخص شد آن برنامه، مراسم تودیع و معارفه استاندار جدید بود؛ یعنی مسئولی که به عنوان اولین روز در این منصب، عیای خدمت گذاری به تن می کند.

در کنار تقدیر از بازخورد با متانت و شایسته آقای استاندار جدید، توجیه نشد ریشه چنین رفتارهایی در کدام یک از درد های مردم نهفته است! که کدام علت





اگر یک خادم امریکایی یا یک آشپز  
امریکایی مرجع تقلید شما را در وسط  
بازار ترور کند، زیر پای خود منکوب  
کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را  
بگیرد! دادگاه‌های ایران حق محاکمه  
ندارند!... باید پرونده به امریکا برود و  
در آنجا ارباب‌ها تکلیف را معین  
کنند... دولت [ایران] با کمال وقاحت از  
این امر ننگین طرفداری کرد. ملت ایران  
را از سگ‌های امریکایی پست‌تر کردند!

۴ آبان ۱۳۴۳  
بیانات افشاگرانه  
امام خمینی  
درباره کاپیتولاسیون

MasjedNama

## تشتِ رسوایی پهلوی

به بهانه سالگرد افشاگری امام خمینی درباره کاپیتولاسیون

• محمد جواد مهدیان

جمله در ایران به‌مورد اجرا گذاشته شده بود، نداشت. آنچه در ۲۱ مهر ۱۳۴۳ در مجلس شورای ملی دوره بیست و یکم تصویب شد، در واقع تکمله‌ای بود به قرارداد موسوم به: «قرارداد یا کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک» (Vienna Convention on Diplomatic Relation)؛ اصل این قرارداد که تا همین الان هم ایران آن را در روابط دیپلماتیک متقابل خود با کشورهای مختلف جهان به‌مورد

با توجه به ابعاد گسترده زیان‌های کاپیتولاسیون، لغو آن همواره آرزوی دولت و ملت ایران بود؛ خصوصاً بعد از مشروطه که مبارزه با استعمار و زورگویی‌های بیگانگان در ایران شدت یافت. اما آنچه در ۳ مرداد ۱۳۴۳ در مجلس سنا و در ۲۱ مهر ۱۳۴۳ در مجلس شورای ملی دوره ۲۱ به‌تصویب رسید، اساساً هیچ ارتباطی با کاپیتولاسیون دیرپایی که در بخش‌های مختلف جهان و از

کاپیتولاسیون عبارت است از معاهداتی که به موجب آن بیگانگان حق اقامت در کشور دیگری را برای خود تحصیل و از برخی حقوق و مزایا به‌طور اختصاصی بهره‌مند می‌شوند و به عبارت دیگر کاپیتولاسیون به معنی حق قضاوت خارجی‌ان در کشور بیگانه می‌باشد. این گونه معاهدات در تاریخ ایران نمونه‌های کمی نداشته است... در دوران صفویه و زندیه تا قاجار و پهلوی...

اجرا می‌گذارد، در ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ / ۲۹ فروردین ۱۳۴۰ در شهر وین پایتخت اتریش تصویب است اما آنچه موجب اعتراض شدیداللعن امام خمینی به مصوبه روز ۲۱ مهر ۱۳۴۳ مجلس شورای ملی گردید، نه اصل قرارداد، بلکه الحاقیه‌ای بود که بر مبنای آن کلیه «مستشاران نظامی آمریکا در ایران» را مشمول مزایا و مصونیت‌های سیاسی و قضایی قرارداد وین می‌کرد و واقعیت این است که برخورداری از حق قضاوت کنسولی در حق مستشاران نظامی آمریکایی در ایران، بی‌آنکه مجلسین شورای ملی یا سنا قانونی در آن باره تصویب کنند، از اواخر پاییز سال ۱۳۲۲ بدان سو، اعمال می‌شد. در زمان جنگ جهانی دوم قراردادی مبنی بر نوسازی و تقویت ارتش ایران توسط مستشاران نظامی آمریکا فیما بین نمایندگان دو کشور ایران و آمریکا به امضا رسیده بود و دولت ایران مصونیت سیاسی و قضایی یکساله‌ای در حق مستشاران آمریکایی در ایران قائل شد. از آن زمان این قرارداد بی‌سروصدا و بدون اینکه افکار عمومی در جریان امور قرار داشته باشند، همه‌ساله و برای یک سال آتی تمدید می‌شد! سالها بعد و در ۲۸ اسفند ۱۳۴۰ سفیر وقت آمریکا در ایران طی نامه‌هایی از دولت ایران تقاضا کرد، مفاد امتیازات و مزایای سیاسی و قضایی قرارداد وین، که حدود ۱۱ ماه قبل و در ۲۹ فروردین ۱۳۴۰ / ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ به تصویب رسیده و به تأیید دولت ایران هم رسیده بود، در حق مستشاران رو به افزایش آمریکایی در ایران هم اعمال شود. آنچه بود مجلس سنا بی‌سروصدا و در ۳ مرداد ۱۳۴۳ به لایحه تقدیمی مذکور که از سوی دولت علم تهیه و ارائه شده بود، رأی مثبت داد و تصویب کرد. در روز طرح و تصویب لایحه مذکور حتی عبدالله ریاضی رئیس وقت مجلس، در روز تصویب این

لایحه، در مجلس حضور نداشت و ریاست مجلس را به حسین خطیبی نایب‌رئیس وقت مجلس واگذار کرده بود. ضمن آنکه شمار زیادی از اعضای فراکسیون اکثریت حزب ایران نوین هم که دولت منصور به پشتیبانی آنها از لایحه مذکور سخت امید بسته بود، برای آنکه مجبور نشوند به لایحه فوق‌رای مثبت بدهند، آن روز به بهانه‌های مختلف از حضور در مجلس خودداری کرده بودند اما الحاقیه مذکور فقط پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۸ لغو گردید. اطلاع از ماهیت و محتوای الحاقیه قرارداد وین، در موضوع مصونیت سیاسی و قضایی مستشاران نظامی آمریکا در ایران، به نوعی یادآور برقراری وضعیت کاپیتولاسیون در ایران دوره قاجار بود. امام خمینی باور داشت، اعمال این وضعیت، متضمن تحقیر و توهینی بی‌سابقه به ملت ایران و حتی حاکمیت وقت و نقض صریح و تأسف‌بار استقلال ملی و سرزمینی ایران زمین خواهد بود. به همین دلیل هم بود که به سرعت واکنشی بسیار شدید و دلیرانه به تصویب آن لایحه نشان داد. به‌رغم انسداد سیاسی روزافزونی که بر کشور حاکم بود و دستگاه‌های اطلاعاتی و انتظامی برخورد سرکوبگرانه بی‌اغماض و شدیدی با مخالفان سیاسی داشتند، اما امام خمینی که طی دوساله اخیر (۱۳۴۱، ۱۳۴۳) هم کمترین اعتنایی به سرکوبگرها و اعمال فشارهای حکومت نکرده بود، در روز چهارم آبان ۱۳۴۳ که مقارن با سالروز تولد شخص شاه هم بود، ضمن تقبیح مصوبه مذکور و تذکر موارد متعدد حقارتی که آن مصوبه به حاکمیت و ملت ایران تحمیل می‌کرد، مجموعه حاکمیت و شخص شاه را با شدیدترین لحن مورد حمله و شماتت قرار داده و تهدید کرد که به مخالفت‌های بی‌اغماض و سرسختانه خود با آن مصوبه ادامه خواهد داد. قرآینی هم

وجود داشت که نشان می‌داد به‌رغم سرکوبگری‌های یکی دو ساله اخیر، موج جدیدی از مخالفت‌های سیاسی و اجتماعی حاکمیت را تهدید می‌کند. به همین دلیل، حکومت که سخت نگران گسترش دوباره ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی در کشور بود، در روز ۱۳ آبان ۱۳۴۳ ایشان را از کشور تبعید کرد. ولی تصویب آن لایحه، که طی دو دهه گذشته هم عملاً اجرا می‌شد، تغییر چندانی در معادلات سیاسی و دیپلماتیک فیما بین ایران و آمریکا ایجاد نمی‌کرد. بنابراین اگرچه تصویب لایحه موسوم به کاپیتولاسیون در مجلسین سنا و شورای ملی بر دامنه مخالفت‌های سیاسی جریان‌های سیاسی منتقد افزود؛ که می‌دانیم در ادبیات سیاسی مخالفان سیاسی حکومت پهلوی در دو دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ وابستگی رژیم پهلوی به آمریکا و غرب جایگاه بسیار مهمی داشت و اساساً از منظر مخالفان آشتی‌ناپذیر سیاسی، یکی از گناهان نابخشودنی شاه و رژیم پهلوی وابستگی آن به جهان سرمایه‌داری غرب و بالاخص آمریکا بود؛ اما در رابطه شاه و رژیم پهلوی با دولت آمریکا تغییر یا مشکلی خاص ایجاد نکرد. از ایران که بگذریم، این وضعیت همچنان درباره مستشاران نظامی کشورهای عضو ناتو برقرار است. نظامیان آمریکایی که از هنگام پایان جنگ جهانی دوم تا همین الان در ژاپن مستقر هستند، به‌رغم برخی محدودیتها که در سال ۱۳۹۰ اعمال شد، همچنان از مصونیت سیاسی و قضایی برخوردار مانده‌اند. در عراق هم از سال ۱۳۹۳ این وضعیت برقرار شده است. از سال ۱۳۹۲ آمریکا تلاش می‌کرد مصونیت سیاسی و قضایی مشابهی برای نظامیان خود در افغانستان هم به‌دست بیاورد؛ که تاکنون اطلاع دقیقی درباره نتیجه آن به‌دست نیامده است.





## محراب شهادت

▲ گر امیداشت مقام اولین شهید محراب؛ آیت الله قاضی طباطبایی

• صبا پویان

مقابل خطوط انحرافی جریانهای ضد انقلاب درخشیدند.

محبوبیت و احترام والای آیت الله نزد مردم کافی بود تا دسیسه های دشمنان راه فنا و نابودی را پیش گیرد.

امام خمینی نیز در پیامی فرمودند: >> این ترور نشانه شکست حتمی دشمنان اسلام و کشور و نشانه عجز و ناتوانی و خودباختگی آنان است . <<

و اکنون مردم ایران این ایثار و تلالو فرزانی و نهایت جوانمردی را که ثمرات وصف ناشدنی انقلابند هیچ گاه از یاد نخواهند برد. (طوبی لهم و حسن مآب)

راه ستودنی ایشان را پیش گرفته و شربت گوارای شهادت را در محراب نماز جمعه نوشیدند . شخصیتی که با تمام قوا و قدرت، با هر ابزار و دفاعی که سن نمیشناسد، مانع پیشروی دشمن شدند.

ایشان از مبارزین پیش از انقلاب و از مریدان رهبر کبیر، امام خمینی(ره) بودند که رژیم ملعون پهلوی بارها وی را به شهرهای مختلف تبعید کرد. این شهید علاوه بر تلاش های علمی و رهبری و شکل دادن به جریانهای سیاسی تبریز، مشارکت فعالانه ای در زمینه سیاست داشتند که خود مظهر روحیه انقلابی و اراده خلل ناپذیرشان در پرونده های قطور ساواک است.

منزل این عارف بزرگ مرد پناهگاه مسلمانانی بود که در راه حق مبارزه می کردند. ایشان همچون سدی استوار در

محراب در لغت قبله است، قبله ای که مومنین از جای جای محور زمین برای ابدیت و غایت عشق می کوشند. حال ترکیبش باشهادت، جهاد و سیاست، ژرف ترین عنصری است که می توان تصور کرد.

امیر مومنان، علی (ع)، اعماق بندگی و اطاعت را در سجده، همان آخرین سخنان، زمزمه ها و راز و نیاز های عارفانه شان پیاده کردند؛ که ناگاه شمشیر ترور، همان مولود شجره خبیثه نفاق، فرق مبارک مولود کعبه را در محراب عشق نشانه گرفت و عالمیان ندای فُزْتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ را شنیدند که ما با شهادت رستگار می شویم.

در طول تاریخ خصوصا در انقلاب اسلامی عزیزمان نیز بزرگ مردانی اینچنین آسمانی شدند. آیت الله العظمی قاضی (ره) در سال ۱۳۵۸ اولین امام جمعه ای بودند که به تاسی از امام علم و معرفت



## فرزند عثمانی

### ▲ بررسی نقش ترکیه در تحولات منطقه

● فرشید محمدی مجد

در جنگ ارمنستان و آذربایجان مستشاران ترکیه را در مرز شرقی خود یافتند. ترکیه علی‌رغم مشکلات با همسایگانش در ماجرا جویبای، در لیبی در مقابل نیروهای ژنرال حفتر میایستد. این نشان دهنده این است که سیاستمداران ترکیه رویاهای بزرگی دارند. ترکیه اولین دولت اسلامی ای بود که اسرائیل را به رسمیت شناخت. آنچه مشخص است روبرو این دو دولت علی‌رغم افت و خیزهای فراوان در سطح خوبی است. همکاریهای ترکیه و اسرائیل حتی در سطح اطلاعاتی و امنیتی بوده. برای مثال موساد در سال ۱۹۹۹ عبد الله اوجالان رهبر حزب کارگر کردستان را دستگیر کرد. با روی کار آمدن دولت اسلام‌گرای اردوغان اگرچه روابط ترکیه و اسرائیل سرد شد ولی دولت اردوغان این را دریافت که برای رسیدن به رویاهای خود نیاز به

(جیش النصر) و (فیلق الشام) که در مجموع تنها این سه گروه حدود ۱۵۰۰۰ نفر نیرو دارند. ترکیه وقتی حس کرد که کردهای سوریه در حال پیشروی هستند؛ ناگهان تغییر موضع داد و علیه داعش شد و شهر الباب را تصرف کرد. این تصرف در حین نزدیک شدن نیروهای سوری به الباب بود که اگر مداخله روسیه نبود منجر به درگیری ترکیه با ارتش سوریه میشد. ترکیه بعد از درگیر شدن با داعش همچنان حمایت خود را از تروریستهای دست‌نشاندهاش در ادلب را حفظ کرد. در عراق هم، هم مرزی ترکیه با عراق باعث هم‌مرزی ترکیه با کردهای خود مختار شده بود. ترکیه بارها به مناطق عراق تجاوز کرده و بارها مناطق کرد نشین را بمباران کرده است. آرامنه در شرق ترکیه که دل خوشی از عثمانیها و کشتار آرامنه توسط آنها نداشتند؛ اخیرا

آنطور که بنظر میرسد پس از جنگ جهانی اول و تجزیه امپراطوری عثمانی همچنان ترکیه از آرمانهای دوران عثمانی دست‌نکشیده است. ترکیه حدودا با ۱۱ کشور مرز دارد اما آنچه معلوم است روابط خوبی با آنها ندارد. ترکیه همواره با کشورها یونان، قبرس، سوریه، عراق و ارمنستان روابط منفی ای داشته؛ همچنین با سایر همسایگانش روابط پر افت و خیزی داشته. ترکیه نقش مهمی در بحران سوریه داشت و بسیاری از تروریستهای سوریه از راه ترکیه وارد سوریه شدند. و آنجا که داعش پول نیاز داشت؛ ترکیه نفتی که متعلق به مردم سوریه بود را از داعش میخرید. ترکیه نقش مهمی در اشغال استان ادلب داشت. ترکیه در سوریه حدود ۱۲ گروه تروریستی تشکیل داد که از جمله بزرگترین آنها میتوان به (ارتش آزاد ادلب)،



منفعتش در آن باشد به آن سو میرود. اغلب تحرکات ترکیه برای اقتصاد و مردمش زیان ندارد. اگر به سوریه حمله میکند؛ جای نگرانی نیست؛ کالاهای ترکیه همچنان به سوریه صادر میشوند. حتی چند برابر ایران که ناجی سوریه بوده، به آن کالا صادر میکند. این مسائل ایجاب میکند ایران ترکیه را بیش از پیش جدی بگیرد؛ البته به عنوان یک رقیب سرسخت، نه دشمن.

دارد. ماجراجوییهای ترکیه به این جا ختم نمیشود و در همین هفته اردوغان تهدید به اخراج سفیر ۱۰ کشور غربی کرد. اقدامی تکانشی که بازارهای ترکیه را به لرزه درآورد. ماجرا از این قرار بود که کشورهای غربی خواهان آزادی یکی از افراد متهم به دست داشتن در کودتا ترکیه بودند. اما نتیجه آن بود که کشورهای غربی از موضع خود عقب کشیدند؛ این نشان میدهد ماجراجوییهای ترکیه بی نتیجه نبوده و ترکیه حکومت پوشالی نیست. واقعیت این است که ترکیه در حال رشد و توسعه است همچنین ترکیه با سرمایهگذاری بسیار بالا در حوزه فیلم و سریال، سعی میکند مرزهای پنهان خود را توسعه دهد و امروزه سریالهای ترکی در جهان علاقه مندان زیادی دارند. بسیاری از مردم ترکیه، از دولت خود رازی هستند. این مردم ترکیه بودند که با خوابیدن در مقابل تانکهای ارتش، اردوغان را از کودتا نجات دادند. ترکیه را میشود آفتابگردانی تصور کرد که هر جا نور را پیدا کند، رویش را به سوی آن میچرخاند. هر جا که

روابط با اسرائیل دارد. روابط ترکیه و اسرائیل درحالی برقرار است که دولت اردوغان خود را حامی مردم فلسطین و غزه میداند و بارها علیه اسرائیل موضع گیریهای نفرت آمیزی اتخاذ کرده است و چندین بار کنفرانسهایی بین المللی علیه اسرائیل برگزار کرده. حتی ترکیه سعی داشت باری محاصره غزه را با کشتی مرمه بشکند که با حمله کماندوهای اسرائیلی و کشته شدن چند شهروند ترکیه مواجه شد. بعد از این حمله روابط ترکیه و اسرائیل تیره شد. این وضعیت دوامی نیاورد و در سال ۲۰۱۶ این مسئله بدون سر و صدا حل شد. سوریه، عراق، غزه؛ سه کشوری که ترکیه به آنها بسیار بدی کرده؛ الان بازاری برای کالاهای ترکیهای است. شعر خوانی اردوغان علیه انسجام جمهوری اسلامی ایران در آذربایجان و حمایتهای ترکیه از مواضع منفی جمهوری آذربایجان علیه ایران پیام خوبی را به تهران مخابره نمیکند. در غرب ترکیه همچنان کشاکش ترکیه با دولت یونان بر سر مسائل نفت و لیبی و... همچنان ادامه





## سرزمین زخم خورده

▲ بررسی فجایع اخیر رخ داده در افغانستان

• مینا واثق عباسی

بسیار هم قابل تأمل و برنامه ریزی است تفرقه افکنی و از بین بردن وحدت میان شیعیان و برادران اهل تسنن می‌باشد که اگر برادران اهل سنت و مسئولین طالبان در کنار شیعیان در مجامع و مساجد و... باشند تا حدودی می‌توان از این فجایع بشری جلوگیری کرد. اما موضوعی که اهمیت دارد این است که امنیت شیعیان در افغانستان باید مانند دیگر اقوام و اقلیت‌ها تأمین شود و در وهله اول این وظیفه بر دوش طالبان است که حالا قدرت را در دست دارد. در گام دوم مجامع و نهاد های بین المللی مانند سازمان حقوق بشر باید ورود کند تا از جان مردم بی گناه و بی دفاع شیعه‌ای افغانستان صیانت شود و جلوی کشتار و نسل کشی در این کشور را بگیرد. و در آخر کشورها و دولت‌های

است. این فاجعه در روز جمعه هنگامی که نمازگزاران برای اقامه‌ی نماز به مسجد رفتند در حالی که یک عامل انتحاری، تکبیر گویان در وسط جمعیت انفجار را رقم زده، اتفاق افتاده است.

یا انفجار در مقابل یک دبیرستان دخترانه در کابل در بیست و پنجمین روز از ماه مبارک رمضان را شاهد بودیم. در هنگام خروج دانش آموزان ۳ انفجار رخ می‌دهد و حدود ۲۰۰ کشته می‌شوند که غالب آن‌ها دختران مظلوم این مدرسه بودند که به شهادت رسیدند. البته حالا طالبان هر دوی این جنایات را محکوم کرده و این فجایع فوق حاصل وحشی‌گری‌های گروهک تروریستی داعش بوده است.

می‌توان دو هدف برای علت این جنایات متصور شد؛ اولین هدف اینکه این‌ها فقط از روی اختلافات مذهبی است اما هدف بعدی که

طالبان مسئله‌ی پیچیده‌ایست؛ معلول و برآمده از شرایط نا به سامان داخلی. زمانی که شوروی سقوط می‌کند و جنگ داخلی در کشور

برقرار می‌شود، احزاب قسمتی از جنوب افغانستان با یکدیگر همراهی میکنند و طالبان به صورت کامل قسمت جنوبی کشور را تسخیر کرده و پس از آن آرام آرام گسترش پیدا میکند و زمانی طالبان معروف شد که توانست کابل را تصرف کند. از گذشته تا به امروز ظلم و ستم فراوانی به مردم بی گناه و مظلوم افغانستان شده است.

حالا با روی کار آمدن طالبان هنوز هم کشتار شیعیان به پایان نرسیده و شاهد اتفاقات دردآوری بوده‌ایم. انفجار در یکی از مساجد قندوز با عنوان سیدآباد تنها یکی از قتل عام های هولناکی است که بر مردم شیعه‌ی افغانستان گذشته



معظم رهبری درباره افغانستان که فرمودند: (ما طرفدار ملت افغانستان هستیم چرا که دولت‌ها همچون گذشته می‌آیند و می‌روند اما ملت افغانستان است که باقی می‌ماند/روابط ایران با دولت‌ها به روابط دولت‌ها با ایران بستگی دارد اما جمهوری اسلامی در همه‌ی احوال طرفدار ملت مظلوم افغانستان خواهد بود.) در می‌یابیم که ایران همواره پشتیبان و حمایت‌کننده‌ی مردم مسلمان کشورهای دچار جنگ بوده‌است. حالا نیز می‌بایست در روابطش با طالبان در راستای منافع این کشور قدم بردارد.

مسلمان منطقه و به ویژه جمهوری اسلامی ایران باید جلوی افراطی‌گری در افغانستان بایستد و از مسئولین این کشور بخواهد تا در قبال جان اقلیت‌های مذهبی و قومیت‌ها به ویژه شیعیان احساس مسئولیت کند.

در افغانستان باید یک دولت مستقل ایجاد شود که همه‌ی اقشار جامعه نیز در انتخاب آن دخیل باشند و این مهم فقط از طریق یک انتخابات منسجم برای تعیین دولت امکان‌پذیر است و تنها از این راه شیعیان افغانستان می‌توانند در سرنوشت و وضع کشور خود سهیم باشند.

روابط ایران با دولت‌ها به روابط دولت‌ها با ایران بستگی دارد اما جمهوری اسلامی در همه‌ی احوال طرفدار ملت مظلوم افغانستان خواهد بود.

با نگاهی به سخنان مقام





” ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم؛ واحد هستیم که مسلمان و برادر هستیم. اگر کسی کلامی بگوید که باعث تفرقه بین ما مسلمانها بشود، بدانید که یا جاهل هستند یا از کسانی هستند که می‌خواهند بین مسلمانان اختلاف بیندازند. قضیه شیعه و سنی اصلاً در کار نیست، ما همه با هم برادریم.

صحیفه امام خمینی (ص)، جلد ۶، صفحه ۱۳۳

## وحدت اسلامی؛ سابقه و آثار

● علیرضا پیرهادی

نماز و... اعتقاد دارند و در بسیاری از موارد شبیه به هم هستند؛ به طوری که اگر یک غیرمسلمان به ما نگاه کند، تفاوت‌های چشمگیری را مشاهده نخواهد کرد. البته این به معنای انکار تفاوت‌ها نیست که کم‌تعداد هم نمی‌باشند؛ ولی این اختلافات به اندازه‌ای هم نیستند که ما را کاملاً از هم جدا کنند. ما می‌توانیم با حفظ تمامی باورهای مختلف مذهبی، با یکدیگر تعامل و همفکری داشته باشیم. باید این را مدنظر قرار داد که اشتراکات، بسیار بیشتر از تفاوت‌هاست. خداوند حتی به وحدت با اهل کتاب هم معتقد است؛ چرا که آنها نیز در اصل، به کلمه مشترک توحید باور دارند (هر چند که شاید در طول زمان تحریفاتی در اعتقادات صورت گرفته باشد). : «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ

محمود شلتوت و آیت الله بروجردی بر می‌گردد. بعدها این مسئله توسط امام خمینی (ره) و نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان پرچم دار وحدت امت اسلامی، پیگیری شد. اما برای بررسی بعد عملی وحدت مسلمین، باید مسائلی فراتر از جلسات مشترک و وعظ و خطابه‌هایی چون کنفرانس سالیانه وحدت اسلامی را در نظر گرفت. وحدت اسلامی که ایران و بسیاری از شخصیت‌ها و متفکرین مسلمان در سراسر جهان در طول این سالها داعیه دار آن بوده‌اند، دو بعد دینی و سیاسی دارد. بعد دینی همان است که قرآن می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» قرآن کریم همه ما را به وحدت حول ریسمان الهی دعوت کرده و از تفرقه نهی می‌کند. همه مسلمین به خدای یگانه، قرآن، نبوت رسول الله (ص)، معاد، حج،

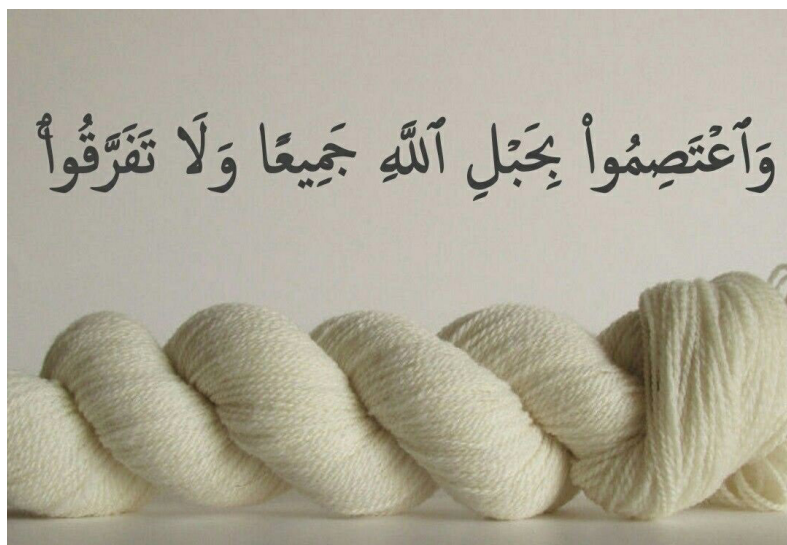
از سال ۱۳۶۰ که ایده «هفته وحدت» به پیشنهاد آیت الله منتظری و تأیید امام خمینی شکل گرفت تا به الان که ۴۰ سال از آن می‌گذرد، امر وحدت به یکی از مهمترین مفاهیم جدید در میان مسلمانان (حداقل در ایران) تبدیل شده است. البته در باب اینکه ابداع کننده اصلی این رویداد سالیانه که بوده، اختلافاتی وجود دارد که بررسی آن محل بحث ما نیست. هر ساله در ایران و برخی کشورهای اسلامی دیگر، فاصله ۱۲ تا ۱۷ ربیع الاول را که به ترتیب میلاد پیامبر (ص) به روایت اهل سنت و به روایت شیعه است را گرمای می‌دارند و مجالس و نشست‌هایی در این باره تدارک می‌بینند. ریشه‌های تاریخی بحث وحدت اسلامی به نظریات کسانی چون سید جمال الدین اسدآبادی و محمد عبده، تا



را که در راه استقلال و عزت و شرف کشورها و امت اسلامی گام بردارد، مانعی بر سر راه خود پنداشته و با او مقابله خواهند کرد. اگر هم امروزه می بینیم که مقامات این کشورها در ادبیاتشان شیعه و سنی را تفکیک می کنند، صرفاً به منظور تفرقه انداختن بین ماست تا بتوانند راحت تر به مقاصدشان دست یابند.

باشد، فلسطین همچنان در اشغال خواهد بود. جمهوری اسلامی ایران نیز در این سالها با حمایت قاطع از مردم فلسطین که اکثراً از سنی های شافعی هستند، حسن نیت خود را ثابت کرده است. در مقابل برخی از به ظاهر مسلمانان اهل سنت، دست دوستی به دشمنان خدا و پیامبرش داده و خود را ذلیل کرده اند. در سالهای اخیر نیز که داعش و دیگر گروه های تکفیری جنایات متعددی در عراق و سوریه و... مرتکب شدند، اختصاص به شیعیان نداشت؛ بلکه هر مسلمان مخالف خودشان را به خاک و خون کشیده و زنان را به بردگی بردند. آن هم داعشی که به اعتراف سران آمریکایی توسط خودشان ساخته شد. نتیجه جنگ های سوریه و عراق نیز این بود که با همکاری همه مذاهب و فرق اسلامی و حتی آزادی خواهان مسیحی، این کشورها از لوٹ وجود داعش پاک شدند و به امنیت و آزادی نسبی رسیدند. در آخر باید توجه کرد که بسیاری از قدرت های امروز جهانی، با اصل اسلام دشمنی دارند و هر مسلمانی

بِه شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ» اگر وحدت با همه موحدین جهان ممکن است، آیا با هم کیشان خودمان ممکن نیست؟! لایه دیگر وحدت، از نوع سیاسی است. امروزه که پیامبر در کنار ما نیست و امام مدنظر شیعیان غایب است و اهل سنت هم خلیفه مشخصی ندارند، آیا نمی شود اختلافات را در مسیر ساخت تمدن اسلامی و بازگشت به دوران باشکوه اسلام کنار گذاشت؟ دول و ملل اسلامی همزمان که مستقل هستند، می توانند همکاری های جدی با هم داشته باشند و دشمنی هایی را که ناشی از تحریک نظام صهیونیسم بین الملل و پیروان آن است، کنار گذاشته و با هم قدم بردارند. مسائل اختصاصی هر مذهب به جای خود، اما اینکه امروزه سرزمین مسلمین توسط صهیونیست ها غصب شده، ربطی به مذهب شافعی و حنفی یا جعفری و اسماعیلی دارد؟! پراکندگی ما در قرن بیستم، باعث این فاجعه شد و هر چه این پراکندگی ادامه داشته





# لبنان؛ آتشی سوزان زیر اندکی خاکستر!

● محمد مهدی محمودی

آید. نکته تنش زای دیگر سیستم تقسیم قدرت در این کشور است که برای تشکیل دولت نیاز به ائتلافی متشکل از هر سه اقلیت عمده لبنان وجود دارد و این ائتلاف همواره با تقسیم سهمی در دولت و نهادهای این کشور رخ می‌دهد که علاوه بر دمیدن در اختلافات برای سهم‌خواهی بیشتر، باعث حذف شایسته‌سالاری شده و نظام سیاسی را در این کشور ناکارآمد ساخته است؛ ناکارآمدی نیز مانع توسعه شده و مشکلات اقتصادی، خود به عاملی دیگر برای بی‌ثباتی و تنش در لبنان بدل شده‌اند. در نهایت وجود غده سرطانی و دولت نامشروع اسرائیل در جنوب این کشور که هم به خاک آن چشم داشته و هم با بی‌ثبات سازی لبنان به دنبال تامین امنیت خود است، عاملی شده تا مدام گسل‌های مختلف این جامعه را فعال کرده و از آن بهره‌گیری کند. اکنون و در

محسوب می‌شد لبنان منطقه نفوذ خود قرار داده و به گسترش سلطه فرهنگی سیاسی و اجتماعی خود پرداخت. تبعاً هر یک از این دوران‌ها باعث ایجاد یک پایگاه هواداری سیاسی و فرهنگی در لبنان می‌شد که پس از خارج شدن قدرت خارجی سابق، این پایگاه برجای خود باقی می‌ماند و با پایگاه‌های دیگر وارد رقابت و حتی نزاع می‌شد که این یکی از ریشه‌های اختلاف و درگیری دائمی در لبنان است. مسئله دیگر وجود اقوام و اقلیت‌های مختلف در این کشور است. لبنان به عنوان منطقه‌ای که در نقطه اتصال اروپا آسیا و آفریقا از یک‌سو و نقطه اتصال مسلمانان شیعه از سوی ایران عراق و سوریه، مسلمانان سنی از سوی فلسطین و مسیحیان از سوی اروپا بوده است منطقه‌ای مستعد برای فعال شدن گسل‌های ویرانگر اختلافات داخلی و جنگ‌های مذهبی به حساب می‌

بی‌ثباتی و تحولات چالش برانگیز تبدیل به جزئی جدایی ناپذیر از تاریخ و اجتماع لبنان شده است. کشوری که از بدو تولد پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی به واسطه چند ویژگی ذاتی همواره محل بروز و ظهور اختلافات و درگیری‌های بوده است. اولین مسئله، استعمار و سلطه بیگانه است. لبنان به عنوان بخشی از منطقه شام دارای تمدن مستقل و هویتی دیرین بوده است که تا پیش از اسلام، ارتباطی با جامعه و تمدن عرب نداشت. پس از ظهور اسلام و در زمان خلفا با فتح شام و به دنبال آن لبنان، سلطه فرهنگی غیربومی در حکومت سلطنت‌گونه بنی‌امیه آغازگر تحولات شد و این روند تا سقوط عثمانی که سلطه فرهنگی ترکان را به دنبال داشت ادامه یافت. پس از آن فرانسه که در آن هنگام هم چنان قدرتی استعماری



کرده است. در اعتراض به این روند قضاوت، جریان امل به همراه بخشی از هواداران حزب ا... اقدام به راهپیمایی مسالمت‌آمیز نموده بودند که در محله ای مسیحی نشین در مرکز بیروت از بالای ساختمان‌ها با تک تیرانداز مورد حمله قرار گرفتند و پس از دقایقی کار به درگیری مسلحانه کشید. با وساطت سید حسن نصرا... ماجرا به نوعی فیصله یافت اما لبنان در نتیجه این درگیری بیش از پیش آتش زیر خاکستر شده و هر آن مستعد درگیری و بی ثباتی است. مسئله‌ای که خواست اسرائیل، ایالات متحده و سعودی و بر خلاف ترجیحات ایران و محور مقاومت است. باید منتظر ماند و دید که آیا ایران و حزب ا... می‌تواند لبنان را از سقوط در پرتگاه جنگ داخلی حفظ کنند یا...

ادامه اوضاع نابسامان سیاسی و اقتصادی این کشور دور جدیدی از آشوب و درگیری در لبنان بالا گرفته است. انفجار بمب در بیروت در سال گذشته و تخریب گسترده بندرگاه اصلی لبنان جریان صادرات و واردات آن را فلج کرده و به گردشگری لبنان - که خود به علت همه گیری کرونا با مشکل مواجه بود- ضربه ای جدی وارد ساخت و این موجب رخداد بحرانی جدی شد که گسل‌ها را بیش از پیش برای بروز خشونت آماده‌تر کرد. از سوی دیگر قاضی رسیدگی به پرونده انفجار بندر نیز شروع به سیاسی کاری کرده و در پیگیری مسئله از مسئولین امر به صورت جهت دار و بدون دلیل افراد کمتر مرتبط با اصل ماجرا که جزئی از جریان شیعی و بعضی از یاران محور مقاومت هستند را بیشتر احضار کرده و حول محور نقش آنها بازی‌های رسانه ایجاد می‌کند و به بی‌ثباتی‌ها دامن زده و دولت تکنوکرات اما پاکدست و ملی‌گرای لبنان را دچار تزلزل و مسائل متعدد





## قلب‌تپنده مبارزه با استکبار

▲ متن ویژه ۱۳ آبان ماه

● امیرمحمد خبیری

رساندن صدای مظلومیت ملت ایران به گوش جهانیان شد. بعد از استقرار امام در پاریس اولین پیام ایشان خطاب به محصلین مدارس و حوزه‌های دینی، دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها صادر شد و موج مبارزات علیه استکبار و استبداد را روشن ساخت. این پیام انگیزه دانشجویان و دانش‌آموزان را برای مبارزه با رژیم پهلوی افزایش داد و موجب شکل‌گیری اعتراضاتی در در نیمه اول آبان ماه ۱۳۵۷ شد. از روزهای ابتدایی آبان ماه آن سال اعتراضات دانشجویان و دانش‌آموزان در اطراف دانشگاه تهران شروع شد و این اعتراضات در روز ۱۳ آبان ماه به اوج خود رسید که با مداخله نیروی‌های نظامی موجب شهادت حداقل ۱۰ نفر و مجروح شدن صدها نفر شد. اما همانطور که گفته شد ۱۳ آبان با ماجرای تسخیر لانه جاسوسی توسط دانشجویان پیرو خط امام

شناخته می‌شود. ماجرای که امام (ره) آن را انقلاب دوم نامیدند. دو اتفاق مهم در آن زمان زمینه‌ساز اقدام دانشجویان برای تصرف لانه جاسوسی آمریکا بود. اتفاق اول عبارت بود از پذیرش شاه فراری توسط دولت آمریکا و اتفاق دوم مربوط می‌شد به آماده‌باش در آمدن ناوگان دریایی آمریکا در تنگه هرمز که تجربه کودتای ۲۸ مرداد احتمال تکرار اتفاقات سال ۱۳۳۲ را در ذهن جوانان انقلابی پررنگ میکرد. این دو عامل در کنار عوامل گوناگون دیگر باعث شد تا سرانجام در تاریخ ۱۳ آبان ماه سال ۱۳۵۸ سفارت آمریکا به تسخیر دانشجویان در بیاید و دیپلمات‌های آمریکایی درون سفارت به گروگان گرفته شوند. اهمیت این اتفاق چنان بالا بود که امام آن را انقلاب دوم نامیدند شاید بتوان گفت این اهمیت از این حیث است که این اتفاق در کنار مواردی

۱۳ آبان یادآور سه حادثه مهم در تاریخ تحولات معاصر ایران است؛ ۱۳ آبان ۱۳۴۳، سالروز تصویب قرارداد ننگین کاپیتولاسیون توسط رژیم شاه، ۱۳ آبان ۱۳۵۷، سالروز اعتراض دانشجویان و دانش‌آموزان به رژیم شاه در دانشگاه تهران و ۱۳ آبان ۱۳۵۸ سالروز تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران. اما سیزدهم آبان ماه را اکثر مردم با حادثه تسخیر سفارت آمریکا در تهران یا همان لانه جاسوسی توسط دانشجویان پیرو خط امام در سال ۱۳۵۸ می‌شناسند. اما برای شناخت بهتر اهمیت این روز در تاریخ سیاسی ایران باید یک سال عقب‌تر رفت. هجرت امام خمینی به پاریس در ۱۴ مهرماه ۱۳۵۷ روند مبارزات علیه رژیم پهلوی را شدت و گسترش بیشتری داد و بر خلاف پیش‌بینی سردمداران رژیم پهلوی، موجب

۱۳ آبان یادآور سه حادثه مهم در تاریخ تحولات معاصر ایران است؛ ۱۳ آبان ۱۳۴۳، سالروز تصویب قرارداد ننگین کاپیتولاسیون توسط رژیم شاه، ۱۳ آبان ۱۳۵۷، سالروز اعتراض دانشجویان و دانش‌آموزان به رژیم شاه در دانشگاه تهران و ۱۳ آبان ۱۳۵۸ سالروز تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران. اما سیزدهم آبان ماه را اکثر مردم با حادثه تسخیر سفارت آمریکا در تهران یا همان لانه جاسوسی توسط دانشجویان پیرو خط امام در سال ۱۳۵۸ می‌شناسند. اما برای شناخت بهتر اهمیت این روز در تاریخ سیاسی ایران باید یک سال عقب‌تر رفت. هجرت امام خمینی به پاریس در ۱۴ مهرماه ۱۳۵۷ روند مبارزات علیه رژیم پهلوی را شدت و گسترش بیشتری داد و بر خلاف پیش‌بینی سردمداران رژیم پهلوی، موجب

می آید که ملت هایی آنها بپذیرند و در مقابل مستکبران تسلیم شوند . ملت ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی همواره تاکید کرده است که در مقابل هرگونه زورگویی و سلطه گری خواهد ایستاد و سیزدهم آبان ماه را میتوان شروعی بر روند استکبارستیزی مردم ایران با هماهنگی رهبران نظام دانست.

مثل در هم شکستن هیمنه آمریکا در افکار عمومی جهانیان ، شروع غربالگری بین نیروهایی بود که در پیروزی انقلاب نقش داشتند اما به لحاظ فکری و ایدئولوژیک با مبانی جمهوری اسلامی و مبانی فکری امام خمینی مغایر بودند؛ و نخستین گروهی که پس از این حادثه اختلاف خود را علنی کردند لیبرال ها و در راس آنها مهدی بازرگان بود که پس از این حادثه استعفای خود را از دولت موقت تقدیم امام کرد و امام نیز این استعفا را پذیرفت. در طول تاریخ انقلاب اسلامی همواره عده ای تلاش کرده اند با ارائه تحلیلی ساده انگارانه ، تسخیر سفارت آمریکا را عامل شروع دشمنی ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی و مردم ایران معرفی کنند. در حالیکه شروع دشمنی آمریکا با ملت ایران به سال های بعد از جنگ جهانی دوم بازمیگردد و این دشمنی به طور علنی در ماجرای ملی شدن صنعت نفت و کودتا علیه دولت ملی ایران خود را نشان میدهد. استکبار همواره در جایی به وجود







# نقوش ایرانی بر تارک فرهنگ جهانی (۱)

## ▲ تأثیرات فرهنگ ایرانی بر فرهنگ جهانی

• مهدی گل محمدی

مشکلاتی که داشت را دارد یا نه؟ مشکلات داخلی مانند زنگ زدگی آهن هستند که از درون کشور را از پای میاندازند توجه به آنان خوب است اما غرق شدن در آنان یعنی خداحافظی از عرصه قدرت جهانی! بهترین و زیرک ترین افراد کسانی هستند که تهدیدات راه به فرصت های بی نظیری تبدیل کنند چه فرصتی بالاتر از این مشکل عصر تکنولوژی! ایرانیان با تجربه موفقی که در دوران پسامغول و یورش ویرانگر مغول داشتند نشان دادند با هنر شعر میتوان این مشکل انزوای روحی را تسکین داد پس یعنی با ترجمه شعر های بی نظیر دوران مغول که در سراسر خود امید و ایمان و تسکین روحی را به همراه دارند، پخش و ترجمه و آشنایی آنان در جهان با یک مدیریت صحیح، میتواند تا حدودی این مشکل را حل کند و هم باعث آشنایی مردم جهان با فرهنگ گذشته ایران

نیست بلکه تنهایی مردمشان است، تاسیس وزارت تنهایی در انگلیسی و صد ها طرح و سرمایه گذاری های مختلف در زمینه های مختلف به همین بهانه میباشد! درست است سال های بعدی را دوران اوج شکوفایی تکنولوژی میدانند اما این پیشرفت تکنولوژی نمیتواند این مشکلات روحی و روانی و درونی انسان ها را حل کند و با گذشت زمان این مشکلات بیشتر و بیشتر هم خواهند شد، اما راهکار چیست؟ چگونه میتوان این مشکل راه به فرصت تبدیل کرد؟ آیا کشوری تجربه ای موفق در این زمینه دارد؟ آیا کشوری میتواند به جای اینکه در مشکلات خودش حل شود نگاه بزرگتری به کشورهای دیگر بیاندازد تا این مشکلات جهان شمول را حل کند و پس از حل کردن این مشکلات و تثبیت خودش به عنوان یک مهره اصلی جهان، آنگاه ببینید که دیگر اصلا

بار ها و بار ها شنیدیم که بهترین دفاع، حمله میباشد اما تا به حال از این ضرب المثل در کجاها استفاده کرده ایم؟ بحث فقط در مورد خرابکاری در خانه و استفاده از این ضرب المثل برای لاپوشونی نیست بلکه صحبت از رویایی است فراتر از حد تصور! «مردم متوجه نعمتشان نیستند مگر آنکه آنرا از دست بدهند» آری فرهنگی غنی که این فرهنگ غنی و قوی ضامن آینده ای درخشان نیست بلکه میتواند زمینه ساز بستری برای ساخت یک آینده ای از افتخار باشد، چاقویی که میتواند سر ببرد و میتواند سیب ببرد. مهم ترین مطالعات روانشناسی اخیر نشان میدهد که کشور های صنعتی پیشرفته مثل امریکا، انگلیس و ژاپن از مسئله خودکشی و تنهایی و افسردگی رنج میبرند و مشکل جدی آنها دیگر نفت

با آن غم و اندوه فراوان توانستند نه تنها مشکلات روحی خود را دوا کنند بلکه حتی فرهنگ خود را بر مغولان تحمیل کنند و آنان را به اسلام بکشانند، درست است فرهنگ مغولان فرهنگ ضعیفی بود و به سرعت تحت تاثیر فرهنگ های که بر آنان چیره شده بودند قرار میگرفت اما مطالعات گسترده و برنامه ریزی های صحیح میتواند راهگشا باشد و زمینه را برای تحقق یک رویا و یک عصر جدید فراهم کند.

انشاءالله ادامه دارد...

شود.، در دوران تنهایی و انزوایی هم میتوان با یاد خدا آرامشی بی نظیر گرفت یعنی این فرصت خوبی برای آشنایی سراسر اقوام و ملل با خداوند میتواند باشد، پس پیشرفت جوامع صنعتی و تبدیل کردن مردمشان به افرادی که دارای انواع بیماری روحی هستند میتواند زمینه ساز گسترش فرهنگ اسلامی باشد، یعنی با یک تبلیغ و نشر و ترجمه و یک مدیریت صحیح میتوان از این مشکل جهانی نهایت استفاده را کرد، هم فرهنگ خود را بسط بدهیم و هم یک مشکل جهان شمول را حل کنیم و هم میتوانیم با گسترش این فرهنگ راه را برای رسیدن به یک ابر قدرت سیاسی و دینی باز کنیم و در راس قدرت بمانیم، به شرطی که ایده های کوچک با فکر های بزرگ همراه شود و فکر خود را از درون مرز ها به بیرون مرز ها ببریم. به طور کلی مطالعه دوران پسا مغول و شناخت تفاوت ها و شباهت هایش با عصر جدید، بررسی چگونگی رفتار ایرانیان در دوران مغول و آنکه چطور در آن دوره

